

Original Article

Juridical and Legal Analysis of Compensating for Loss of Beauty Caused by Burn Related Injuries

Saeed Nazari Tavakoli^{1*}, Masoumeh Naderi Parsa²

1. Associate Professor University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: sntavakkoli@ut.ac.ir

2. Ph.D. Student of Islamic Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 22 May 2018 Accepted: 26 Sep 2018

Abstract

Background and Aim: Loss of beauty is a great example of injuries that are Psychiatric as well as physical and directly affect the quality of the victim's life. Although the necessity of compensating for such injuries is mentioned in Iranian Judicial scripts, there is no unity in how criminal acts that cause loss of beauty (and their consequences such as loss of mental health, loss of social and career opportunities and loss of the chance for a proper marriage) are dealt with.

Materials and Methods: This is a descriptive analytical study that is done based on Library resources. The researchers have tried to examine the possibility of using Arsh to compensate for burn related injuries after studying Jurisprudential sources and finding cases in which Muslim Jurist have discussed the topic.

Findings: Since Arsh as a juridical instrument has no correlation with Diya in amount and quality and the compensation for a burn related injury has a great effect on the quality of the victim's life, the victimizer has to pay for any necessary medical treatments, cosmetic surgeries to improve the victim's appearance, therapy and compensate for the loss of career opportunities, loss of the chance for a proper marriage and any possible marital problems as well as paying Diya. The quality and the amount of the compensation are decided by medical experts.

Keywords: Beauty; Loss of Beauty; Burn; Compensation

Please cite this article as: Nazari Tavakoli S, Naderi Parsa M. Juridical and Legal Analysis of Compensating for Loss of Beauty Caused by Burn Related Injuries. *Feghh Journal* 2019; 11(38-39): 33-50.

تحلیل فقهی - حقوقی چگونگی جبران خسارت «نقص زیبایی» در جرائم منجر به سوختگی

سعید نظری توکلی^{۱*}، معصومه نادری پارسا^۲

۱. دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: sntavakkoli@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۴

چکیده

زمینه و هدف: یکی از بارزترین مصادیق خسارت معنوی، نقص در زیبایی است که تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی بزه‌دیده دارد. با وجود اشارات متون قانونی ایران نسبت به لزوم جبران خسارات معنوی، وحدت رویه‌ای میان آرای قضایی ناظر به چگونگی جبران خسارت نقص زیبایی و میزان تأثیر مؤلفه‌های آن، همچون از دست دادن آرامش روحی، موقعیت اجتماعی، کار، ازدواج و... وجود ندارد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر به روش تحلیلی - توصیفی و به استناد منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این پژوهش برآنیم که پس از بررسی منابع فقهی و استخراج مواردی که فقیهان مسلمان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، مسأله خسارت ناشی از سوختگی را مورد بحث قرار داده‌اند، امکان جبران تمامی خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از آن را با استفاده از ابزار «ارش» ارزیابی کنیم.

یافته‌ها: از آنجا که از طرفی «ارش» به عنوان یک سازه فقهی ناظر به جبران خسارت، از نظر شرایط و میزان، فاقد همبستگی با دیه است و خسارت ناشی از سوختگی نیز تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی بزه‌دیده دارد، بزه‌کار موظف است افزون بر پرداخت دیه - در صورتی که موجب دیه تحقق پیدا کند - تمام خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از سوختگی بزه‌دیده را از جمله هزینه‌های درمان و ترمیم زیبایی، روان‌درمانی و مشاوره، از دست رفتن فرصت اشغال و ازدواج، فروپاشی یا تزلزل خانواده و مانند آن‌ها را جبران کند. روش محاسبه خسارت و چگونگی پرداخت آن بر عهده کارشناسان حوزه سلامت است.

واژگان کلیدی: زیبایی؛ نقص زیبایی؛ سوختگی؛ خسارت

مقدمه

یکی از ویژگی‌های نظام حقوقی جامع، توان پاسخگویی آن به نیازهای جامعه در زمان‌های مختلف است. با گذشت زمان، از یکسو شاهد شکل‌گیری گونه‌های جدیدی از جرائم بوده و از سوی دیگر، گستره آثار جرائم بر ابعاد مختلف زندگی افراد بیش از پیش سایه می‌افکند. جرائم منجر به سوختگی نیز از جمله مواردی است که در بستر زمان، شکل‌های مختلفی به خود گرفته و آثار مخرب آن، مراتب بیشتری از کیفیت زندگی قربانی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. یکی از آثار این جرائم، خسارت معنوی بزه‌دیده و به ویژه خسارت نقص زیبایی اوست که ارتباط تنگاتنگی با عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی وی داشته و با افزایش توانمندی‌های علوم پزشکی، احساس نیاز به درمان و ترمیم آثار برجای‌مانده از یک واقعه تلخ را در ذهن بزه‌دیده و بستگانش افزایش می‌دهد.

در بسیاری از نظام‌های حقوقی برای جرائمی که منجر به خسارت معنوی، به ویژه خسارت نقص زیبایی می‌شوند، قوانینی با هدف بازدارندگی و جبران خسارت بزه‌دیده در نظر گرفته شده است (۱). برای مثال، گرچه در قوانین فرانسه، ماده خاص و صریحی در جبران خسارت معنوی به مال وجود ندارد (۲)، ولی دادگاه‌های فرانسه از دیرباز به جبران مالی خسارت معنوی التزام داشته و احکام زیادی در این راستا صادر کرده‌اند. اولین بار شورای دولتی در سال ۱۹۳۴ در یکی از آرای خود به خانمی که صورتش در اثر حادثه‌ای در آزمایشگاه مجروح شده و زیبایی خود را از دست داده بود، حق داد تا افزون بر خسارت مادی، خسارت معنوی ناشی از آن را نیز مطالبه کند (۳). در قانون مدنی آلمان، شکایت برای جبران خسارت معنوی به موارد استثنای مقرر در دو ماده ۸۴۷ و ۳۰۰ که ناظر به زیان‌های معنوی ناشی از لطمه وارده به تمامیت جسمانی و آزادی‌های فردی و لطمه به منافع عاطفی که موجب به خطر افتادن سلامتی شده و مدعی خصوصی آن را به اثبات رسانیده، محدود شده است (۱). در حقوق انگلستان نیز خسارت معنوی از جمله مفاهیم پیش‌بینی‌شده‌ای است که با عبارت‌هایی همچون «ضرر و زیان»، «لطمه و صدمه بدنی» و «آسیب بهره‌گیری»، از آن یاد می‌شود (۴). خسارت معنوی

در حقوق اسپانیا نیز مورد توجه قرار گرفته و در ماده ۱۴ قانون جزایی آن کشور آمده است: «جبران خسارت معنوی پذیرفته شده و در کنار ضرر و زیان مادی، این نوع زیان و اقسام مختلف آن، قابل مطالبه است.» در فرهنگ‌های حقوقی فرانسوی، منظور از خسارت معنوی، «ضرری است که به شرافت، اعتبار، وابستگی یا به عنصری از احساسات مربوط به زندگی شخص، وارد می‌شود، مانند قطع بدون دلیل قرار ازدواج، مرگ همسر یا یکی از بستگان نزدیک یا ضرر به زیبایی» (۵). ژورد (Givord) حقوقدان فرانسوی در رساله «ترمیم خسارت معنوی» برای هر انسانی سه نوع شخصیت، یعنی شخصیت اجتماعی، شخصیت عاطفی و شخصیت جسمی قائل شده و لطمه به هر یک از آن‌ها را سبب خسارت معنوی تلقی کرده است. وی زیان وارده به حیثیت، شهرت، اعتبار و آزادی‌های مشروع را لطمه به شخصیت اجتماعی و ایجاد هر نوع زیان عاطفی را لطمه به شخصیت عاطفی و آسیب وارد به سلامت و تمامیت جسمانی را که موجب درد و اندوه جسمی یا صدمات روحی می‌شود، لطمه به شخصیت جسمی می‌داند. از نظر وی، زیان معنوی وارد به جسم دو گونه است: خسارت‌هایی که لطمه به زیبایی می‌زنند و خسارت‌های ناشی از تألم جسمی (۶).

هرچند ضرورت جبران خسارت معنوی (صدمات وارد به عرض و ابعاد مختلف شخصیت انسان)، نسبت به خسارت مالی، کم‌تر مورد توجه فقیهان مسلمان قرار گرفته، اما قاعده فقهی نفی ضرر را می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل آن برشمرد (۷). برای مثال مراغه‌ای در تحلیل این قاعده می‌نویسد: «این قاعده اختصاص به خسارات مالی و بدنی نداشته، ضررهای معنوی و حیثیتی یا هتک آبرو را نیز شامل می‌شود، زیرا این ضررها در عرف، ضرر به حساب می‌آیند» (۸). وی در تعریف خسارت معنوی می‌نویسد: «آنچه باعث از بین رفتن احترام و اعتبار شخص و در نتیجه افت شخصیتی او در اجتماع می‌شود، همچون مورد تعرض قرار دادن همسر یا یکی از خویشاوندان، پی‌بردن به امور محرمانه و شخصی، ورود به حریم خانوادگی، غیبت و تهمت و مورد طعن و تمسخر قرار دادن، بیان و افشای عیوب و مواردی که شخص تمایل به افشای آن‌ها ندارد،

همگی هتک شخصیت و مصداق ضرر هستند، زیرا این گونه امور باعث تحقیر و کاهش جایگاه اجتماعی فرد می‌شود» (۸).
به هر حال، این نوشتار درصدد آن است پس از موضوع‌شناختی پژوهش، جایگاه خسارت نقص زیبایی در نظام حقوقی اسلامی را بر اساس آموزه‌های فقهی مورد بررسی قرار دهد.

مفهوم‌شناسی

۱- سوختگی

منظور از سوختگی در این پژوهش عبارت است از «آسیب و تخریب بافت در اثر هرگونه گرما و حرارت یا هر نوع ماده شیمیایی»، سوختگی طیف گسترده‌ای از آسیب‌های بافتی، از قرمزی ساده و تاول تا تخریب قسمت‌های مختلف بدن را دربر می‌گیرد (۹).

در بسیاری از منابع پزشکی برای سوختگی چهار درجه در نظر گرفته می‌شود: ۱- سوختگی دارای ضایعات سطح خارجی پوست (Epiderme) به شکل التهاب یا تاول (Erythema)؛ ۲- هرچند تاول به وجود می‌آید، ولی شبکه مویرگی سالم است و در نتیجه جوشگاه (Cicatrix) بر روی پوست باقی نمی‌ماند یا حداکثر لکه‌های تیره خفیفی (Pigmentation) بر جای می‌ماند؛ ۳- سطح خارجی و خود پوست به کلی از بین رفته، در نتیجه جوش خوردن زخم فقط از طرف لبه‌های آن به شکل بسیار کند، امکان‌پذیر است (۱۰)؛ ۴- سوختگی پیشرفته که منجر به مرگ فرد آسیب‌دیده می‌شود (۹).

۲- خسارت

واژه خسارت از ریشه «خَسَرَ» و به معنای کاستی و زیان (۱۱) یا نقص (۱۲) آمده است. در منابع لغوی فارسی نیز خسارت به معانی مختلفی چون زیان، نقصان، کاستی، از دست دادن، از بین رفتن و خلاف نفع و سود به کار رفته است (۱۳).
قانونگذار واژه خسارت را در حقوق مدنی به دو معنا به کار برده است: ۱- ضرر؛ ۲- زیان و صدمه نسبت به آسیب‌های وارد بر جسم یا شخصیت افراد (۱۴). کاتوزیان با بهره‌گیری از معانی لغوی و اصطلاحی ضرر، در تعریف خسارت آورده است: «هرجا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از

دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است. کاستن از دارایی شخص و پیشگیری از فزونی آن به هر عنوان که باشد اضرار به اوست» (۱۵). در دایره‌المعارف بین‌المللی حقوق تطبیقی نیز خسارت به هرگونه زیان بدنی یا مالی که در اثر حادثه غیر متعارف یا نقض یک قاعده حقوقی به شخص یا گروهی از اشخاص وارد شده و باید جبران شود، تعریف شده است (۱۶).
بر این اساس، در مفهوم خسارت، دو عنصر غیر قانونی بودن (نقض قاعده حقوقی) و قابل جبران بودن یا ضرورت داشتن جبران آن، نهفته است، در حالی که ضرر مفهومی گسترده‌تر داشته، منحصر به زیان مالی و بدنی نبوده، شامل زیان‌های معنوی، روحی و شخصیتی هم می‌شود، هرچند ایراد ضرر همواره منشأ غیر قانونی ندارد، اما ضرورت جبران زیان یا قابل جبران بودن آن ادر مواردی که قانون جبران آن را لازم دانسته [نتیجه ایراد ضرر به وسیله دیگری و مطالبه آن توسط زیان‌دیده است و نه مفهوم آن (۱۷)]. بنابراین به نظر می‌رسد تعریف دقیق خسارت، بدین‌گونه است: «پیدایش هرگونه کاستی در مال، متعلقات غیر مالی، تمامیت جسمی و روانی، اعتبار و حیثیت شخص یا جلوگیری از افزایش یا بهبود آن»
بنا به یک تقسیم رایج در نظام‌های حقوقی مختلف، خسارت به دو گونه کلی مالی و معنوی قابل تقسیم است (۱۷):

۱- خسارت مالی: در قوانین موضوعه ایران، همچون بسیاری از نظام‌های حقوقی، تعریف مشخصی از خسارت مالی بیان نشده، هرچند این خسارت پیش‌بینی شده، اما در متون حقوقی تعریف‌های گوناگونی از این مفهوم ارائه شده نظیر «هرگونه زیانی که جنبه مالی داشته و قابل تقویم به پول باشد»، «خسارتی که بر اموال و دارایی شخص یا اشخاص وارد می‌شود و به صورت کاهش دارایی مثبت مانند از بین رفتن اعیان یا کاهش ارزش اسمی آن‌ها یا افزایش دارایی منفی، مانند: مدیون دیگری شدن، متجلی می‌گردد» (۱۸). با توجه به ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ضرر شامل از بین رفتن مال یا منفعت می‌شود. صدمه به حقوق معنوی و فکری مانند علامت تجاری و صنعتی، حق

۳- زیبایی

زیبا از مصدر «زیبیدن» دارای معنایی چون شایسته، نیکو، جمیل، خوش‌نما و آراسته است. «زیبایی» یعنی حالت و کیفیت زیبا و عبارت است از نظم و هماهنگی همراه عظمت و پاکی موجود در شیء که عقل، تخیل و تمایل‌های عالی انسان را به تحسین واداشته، لذت و انبساط پدید می‌آورد (۲۲).

دهخدا در تعریف این واژه آورده است: «خوبی، حسن، جمال، ظرافت، لطافت، بها، قشنگی» (۱۳). همچنین معادل عربی واژه زیبایی، یعنی «جمال» نیز به این معانی به کار رفته است: «نیکویی در خلقت و رفتار» (۲۴-۲۳)؛ «حُسن کثیر که گاه اختصاص به ذات، رفتار و ظاهر انسان دارد و گاه جمال نسبت به چیزی که انسان در حق غیر انجام می‌دهد، اطلاق می‌شود» (۲۵). صرف نظر از معنای لغوی زیبایی، این مفهوم در عین سادگی، از دشوار فهمی خاصی برخوردار است. امیرالمؤمنین علی (ع) در تقسیمی، زیبایی در وجود انسان را این‌گونه بیان می‌فرماید: «زیبایی ظاهری، نیکویی صورت است و زیبایی باطنی، نیکویی ذاتی است» (۲۶). جعفری در تعریف زیبایی می‌نویسد: «هر مجموعه‌ای نگارین که مرکب باشد از اجزایی متنوع که هر یک از آن، اجزای کمال وجودی خود را بدون تزاخم با اجزای دیگر نمودار سازد، زیباست» (۲۷). از نظر کانت، زیبا چیزی است که سوای مفاهیم، همچون متعلق رضایت همگانی، تصور شود (۲۸)، پس زیبایی قانونمند نیست و نمی‌توان برای اثبات زیبا یا زشت بودن یک شیء، استدلال کرد (۲۹). گاستالا معتقد است: «زیبایی هماهنگی است که لذات ما را در یک مسیر معین متشکل می‌کند و سبب اندیشه زیبایی می‌گردد» (۳۰). فارابی مدعی است: «زیبایی و شکوه هر موجودی عبارت است از پیدایش وجود برتر آن و به دست آمدن کمال نهایی آن» (۳۱). مقابل مفهوم زیبایی، زشتی قرار دارد. زشتی، کژی و کاستی را تداعی می‌کند. در فلسفه یونان باستان، مناسبت زیبایی با زشتی، نسبت خیر به شر، صورت به هیولا و هستی به عدم است. اگر اثری هنری از هماهنگی و تناسب برخوردار نباشد، آن اثر زشت یا بد به نظر می‌آید (۳۲). به دیگر سخن، نسبت میان زیبایی و زشتی با مفاهیم لذت‌گرایانه فهمیده می‌شود، یعنی شیء زیبا منشأ ایجاد حس

اختراع و تألیف و آفرینش‌های فکری و ادبی نیز در مفهوم خسارت مالی جای دارد، هرچند خسارت غیر مالی نیز به همراه داشته باشد، زیرا «مال» به اشیاء خارجی و مادی منحصر نبوده و به هر چیزی که در رفع نیازهای بشری مفید بوده و دارای ارزش اقتصادی است، عنوان مال صادق است (۱۷)؛

۲- خسارت معنوی: خسارت‌هایی که به صورت مستقیم بر مال یا حقوق مالی وارد نشده و مورد داد و ستد قرار نمی‌گیرند، جنبه معنوی (غیر مالی) دارند. این نوع خسارت بر خود شخص و متعلقات غیر مالی او مانند روان، شخصیت، آزادی، شهرت و اعتبار، عواطف و باورهای وی وارد می‌شود (۱۷). خسارت معنوی عبارت است از «خسارت وارد به عرض و آبرو و ارزش‌های معنوی کسی، مانند افشای راز کسی و ضد خسارت مادی است (۱۹)؛ «صدمات روحی و کسر حیثیت و اعتبار شخص که در اثر عمل دیگری و بدون مجوز قانونی یافت شده است و آن بر دو نوع است: کسر حیثیت و اعتبار و صدمات روحی» (۲۰)؛ «صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی، مانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو، حیثیت و آزادی... منشأ ضرر معنوی بوده و لطمه‌زدن به یکی از حقوق مربوط به شخصیت و آزادی‌های فردی و حیثیت و شرافت (سرمایه‌های معنوی) از جمله صدمات روحی است» (۱۵). بر این اساس، مصادیق خسارت معنوی بسیار گسترده بوده، یکی از بارزترین آن‌ها نقص در زیبایی است، زیرا زیبایی به صورت مستقیم مورد داد و ستد مالی قرار نمی‌گیرد، ولی نقص در آن به صورت مستقیم در حالات روحی و عاطفی، همچنین موقعیت فردی و اجتماعی شخص اثر گذاشته و بسیاری از شاخص‌های کیفیت زندگی او را دستخوش تغییرهای نامطلوب می‌کند.

قانونگذار در تبصره یک ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مقام بیان تعریف خسارت معنوی تنها به بیان برخی از مصادیق آن، همچون صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی بسنده نموده است (۱۹).

لذت در مخاطب است، حال آنکه شیء زشت، متضاد آن حس، یعنی درد را در مخاطب ایجاد می‌کند (۳۳).

بدین ترتیب زیبایی امری نسبی است که از هماهنگی و کمال شیء ناشی شده، موجب لذت و احساس خوشایند در مخاطب می‌شود، تحسین و احساس تکریم، همچنین نوعی شکوه و ارزشمندی را در ذهنش ایجاد می‌کند. منظور از زیبایی در پژوهش حاضر، حُسن و هماهنگی اجزا و اندام‌های ظاهری انسان است که در حوادث مختلف، از جمله جرائم منجر به سوختگی، به صورت کامل یا نسبی دچار نقص و کاستی می‌شود. واژه «نقص» در منابع لغوی به معنای: کاستی، کمی، نقصان، صدمه (۱۳)، خسران در نصیب و بهره (۳۴) و عیب (۲۵) آمده است؛ «نقصان در زیبایی»، عبارت است از کاستی و صدمه‌ای که به زیبایی فرد در اثر عوامل گوناگون طبیعی و غیر طبیعی وارد شده و به نوعی نازیبایی منجر می‌شود.

۴- کیفیت زندگی

در جرائم منجر به سوختگی که موجب نقص زیبایی می‌شود، ابعاد مختلفی از زندگی بزه‌دیده آسیب‌دیده و «کیفیت زندگی» وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کیفیت زندگی مفهومی بین‌رشته‌ای است که در علوم مختلفی همچون پزشکی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد مورد بحث قرار می‌گیرد؛ همین مفهوم زمانی که جنبه‌های مختلف زندگی یک فرد در اثر فعل مجرمانه دیگری دستخوش تغییر شود، مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو در تحلیل فقهی و حقوقی جرم و مجازات نیز می‌توان از مفهوم کیفیت زندگی بهره جست.

میزانی که افراد می‌توانند از امکانات قابل‌توجه موجود در زندگی، لذت ببرند، کیفیت زندگی (Quality of Life) نامیده می‌شود. کیفیت زندگی، مجموعه شرایطی است که در طول زندگی و توسط افراد ایجاد می‌شود (۳۵). این مفهوم، ریشه در ادبیات فلسفی یونان باستان داشته، ارسطو (نام لاتین) در بحث از شادکامی بدان اشاره می‌کند. آمارتیا سن (Amartya Sen)، کیفیت زندگی را با قابلیت‌های کارکردی افراد مرتبط می‌داند و بر این باور است که بدون برخورداری از قابلیت‌هایی

همچون سلامت، روابط اجتماعی، عزت نفس و مشارکت در امور مختلف، انسان نمی‌تواند از بسیاری مزایا و منافع زندگی بهره‌مند شود (۳۶). در برخی منابع، کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم ذهنی مبتنی بر ارزش‌ها و تمایلات فردی در ارتباط با رضایتمندی از زندگی در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر رضایت از زندگی، مؤلفه اصلی کیفیت زندگی شمرده شده است (۳۶). از آنجا که همه افراد دست کم حق برخورداری از یک زندگی مناسب را دارند؛ بهره‌مندی از نیازهای اساسی شناخته شده، پیش‌نیاز سایر جنبه‌های زندگی است (۳۷).

بر اساس مطالعات دانشگاه تورنتو (۱۹۹۴ م.) کیفیت زندگی وضعیتی است که فرد از امکانات مهم موجود در زندگی برخوردار شده و لذت می‌برد. این امکانات از فرصت‌ها و محدودیت‌های هر فرد در زندگی ناشی شده و در تعامل عوامل فردی و محیطی منعکس می‌شود. بر این اساس، تحقق مفاهیمی همچون «بودن»، «تعلق داشتن» و «تحقق یافتن» و میزان آن‌ها، گویای سطح کیفیت زندگی است (۳۶). فرانس (نام لاتین) کاربرد مفهوم کیفیت زندگی را در شش حوزه زندگی عادی، مطلوبیت اجتماعی، شادکامی، رضایت از زندگی، دستیابی به اهداف شخصی و استعدادهای ذاتی، طبقه‌بندی می‌کند (۳۸).

جرائم منجر به سوختگی

سوختگی بر اساس چگونگی ایجاد آن به گونه‌های مختلفی قابل‌تقسیم است. از جمله انواع سوختگی، سوختگی جنایی، یعنی سوختگی ناشی از یک عمل مجرمانه است که بسته به نوع جنایت به دو شکل کلی دیگرسوزی و خودسوزی تحقق می‌پذیرد.

۱- دیگرسوزی

دست‌کم به سه گونه مختلف برای دیگرسوزی برمی‌خوریم: ۱-۳- اسیدپاشی: اسیدپاشی عبارت است از: «پاشیدن عمدی اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر بر روی بدن اشخاص» (۳۹) یا «پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر که موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس

علیه زنده بماند، مصداق مواد ۳۸۶ و ۳۸۷ قانون مجازات اسلامی بوده و مجازات خاص خود را خواهد داشت (۴۳-۴۲).

۳-۳- سوزاندن جسد: شایع‌ترین شکل سوختگی‌های جنایی، سوزاندن جسد مقتول پس از جنایت است تا وانمود شود که مرگ ناشی از آتش‌سوزی بوده است (۱۰). قاعده «احترام به اموات»، قاعده‌ای مسلم و شناخته‌شده در حقوق اسلامی است (حرمة الميت كحرمة الحي) (۴۴) بر این اساس، هرگونه آسیب‌رسانی به جسد متوفی، افزون بر حرمت اخروی، موجب پرداخت دیه می‌شود (۴۵).

۲- خودسوزی

یکی از اقسام سوختگی جنایی، خودسوزی است که در واقع نوعی خودکشی و از بین‌بردن خود به شمار می‌رود. این‌گونه از سوختگی جنایی، هرچند عمل حرامی است (۴۶)، ولی قانونگذار برای آن مجازاتی در نظر نگرفته است (۴۲).

جبران خسارت نقص زیبایی در نظام قضایی ایران

۱- رویه قضایی در بررسی خسارت نقص زیبایی

با وجود اشاره صریح و غیر صریح متون قانونی ایران نسبت به لزوم جبران خسارات معنوی، به واسطه فقدان تعریفی روشن و جامع از خسارت معنوی، همچنان در آرای قضایی تأکید به سزایی بر آن نمی‌شود یا در موارد مشابه، آرای متفاوتی صادر می‌شود. برای مثال، برخی از آرای قضایی مرتبط با جبران خسارت نقص زیبایی که از جمله مصادیق بارز خسارات معنوی است، از قرار زیر است:

۱-۱- اول: جواز مطالبه ارش نقص زیبایی: سؤال: در

بعضی از صدمات وارده به بدن انسان، علاوه بر ورود صدمه، ممکن است نقص زیبایی نیز عارض شود، آیا در این‌گونه موارد کسی که نقص زیبایی پیدا کرده می‌تواند مطالبه ارش برای نقص زیبایی را نیز بنماید؟

نظریه اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه (نظریه شماره ۷/۶۲۹۶ - ۱۳۷۸/۹/۲): بر اساس رأی وحدت رویه شماره (۱) ۶۱۹ - ۱۳۷۶/۸/۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، هرگاه عضوی که نقص زیبایی پیدا کرده، دیه معین داشته

مجنی‌علیه یا قطع یا نقصان یا از کارافتادن عضوی از اعضا یا موجب صدمه دیگری شود» (۴۰). شروع به این جرم بنا بر قسمت آخر ماده واحده مصوب سال ۱۳۳۷، قابل مجازات بوده، عنصر روانی یعنی عمد در پاشیدن اسید، شرط تحقق آن است (۴۱). مجازات جرم اسیدپاشی در صورت فوت بزه‌دیده بنا به ماده واحده سال ۱۳۳۷، اعدام در نظر گرفته شده است که با توجه به مواد ۳۸۱ و ۳۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این حکم نسخ و در صورت عمدی بودن، مجازات قصاص بر مرتکب اعمال می‌شود. همچنین بنا به ماده واحده مذکور، در صورتی که اسیدپاشی منجر به مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس بزه‌دیده شود، مرتکب به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کارافتادگی یکی از اعضای بدن شود، به حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال و اگر موجب صدمه دیگری شود، به حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال محکوم می‌شود، هرچند این قسمت از ماده واحده نیز بر اساس ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات ۱۳۹۲ نسخ شده است. بر این اساس، اگر کسی به صورت عمدی به دیگری جرح یا ضربی وارد کند که موجب نقصان یا شکستن یا از کارافتادن یکی از اعضای بدن وی شود یا منتهی به بیماری دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل بزه‌دیده شود و قصاص در این موارد ممکن نباشد، چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه شود یا سبب تجری فرد مرتکب یا دیگر افراد شود، بزه‌کار به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست بزه‌دیده، مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌گردد. در مورد شروع به جرم اسیدپاشی، بر اساس ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اعمال خواهد شد.

۲-۳- سوزاندن شخص زنده: در این نوع جنایت، روی

فرد زنده (در حالت خواب یا بیداری)، ماده‌ای اشتعال‌زا ریخته و او را آتش می‌زنند (۱۰)، اگرچه در قانون مجازات اسلامی، به صراحت از واژه آتش‌زدن یا سوزاندن انسان زنده، سخنی به میان نیامده، اما این عمل در صورتی که منجر به مرگ مجنی‌علیه شود، مصداق قتل به حساب آمده و هنگامی که مجنی

باشد، علاوه بر دیه، تعیین ارش جایز نیست. در غیر این صورت، ارش معین می‌شود (۴۷).

۲-۱- دوم: خسارت نقص زیبایی پس از التیام شکستگی در عضو آسیب‌دیده: به موجب دادنامه ۱۳۸۲ - ۱۳۷۴/۱۱/۱۴ شعبه ۱۶۵ دادگاه عمومی تهران در پرونده کلاسه ۲۸۶/۷۴ در خصوص اتهام متهم به ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بی‌احتیاطی و عدم نظامات دولتی در رانندگی نسبت به مجنی‌علیه با توجه به شکایت شاکی و گزارش مرجع انتظامی و اظهار نظر کارشناس و گواهی‌های پزشکی قانونی بابت صدمات وارده... و از جهت نقص عضو مذکور (نقص زیبایی در عضو آسیب‌دیده) متهم را به پرداخت ۱۰٪ نصف دیه کامل ۵ شتر به موجب ماده ۳۰۲ ظرف مدت ۲ سال از تاریخ حادثه محکوم نموده است.

از این رأی، تجدید نظرخواهی شده و شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر به موجب دادنامه ۱۴۱۷ - ۱۳۷۵/۱۲/۲۲ با این استدلال: «نظر به این‌که به موجب ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی شکستگی دارای دیه معین است. بنابراین تعیین ارش زائد بر دیه مقرر، جواز قانونی نداشته و نقص عضو ناشی از شکستگی استخوان اگر همان نقص التیام استخوان شکسته شده و عدم التیام بدون عیب و نقص باشد، دیه زائد بر دیه شکستگی ندارد. بنابراین دادنامه صادره در قسمت محکومیت به پرداخت ۱۰٪ نصف دیه کامل تعیین پنج شتر به منظور نقص عضو به عنوان ارش دارای ایراد قضایی است.

۳-۱- سوم: پرونده اسیدپاشی سال ۱۳۷۶: رأی شماره ۹۸۴ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۲ شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی تهران در پرونده‌های کلاسه ۱۱۹/۷۶ و ۳۱۴۲/۷۵ با موضوع رسیدگی به اتهام سه نفر دایر بر اسیدپاشی به صورت دو دختر ۹ و ۱۷ ساله که منجر به ایجاد جراحات عمیق در نواحی صورت و از بین‌بردن کامل زیبایی چهره نامبردگان شده، در قسمتی از رأی آمده است: «... و در خصوص صدمات وارده بر چشم و نقصان بینایی و احتمال کوری چشم و در خصوص تأثیر جنایت در حالات روحی مصدوم و امکان بروز اختلالات رفتاری... نظر به این‌که اظهار نظر در خصوص هر یک از موارد مذکور مستلزم طی دوره‌های درمان و معاینات بعدی و اظهار

نظر کارشناسی مجدد است، فی الحال اظهار نظر قضایی میسر نیست، لذا پرونده در این خصوص مفتوح خواهد بود.»

۴-۱- چهارم: پرونده اسیدپاشی سال ۱۳۸۳: در مورد اتهام (م) ۲۸ ساله فوق دیپلم، تعمیرکار رادیو و تلویزیون، مجرد، دایر به اسیدپاشی بر سر و صورت و تمام نقاط بدن مجنی‌علیه خانم (الف) دانشجو که علاوه بر جراحات موجود در سر و صورت و نقاط مختلف بدن، موجب کورشدن دو چشم وی شده و مشارالیها مصرانه درخواست قصاص متهم را نیز کرده است (۴۸). در این پرونده مجنی‌علیه در اثر جرم، خسارات فراوانی را متحمل شده است، از قبیل کورشدن هر دو چشم طی فرآیندی دردناک و هزینه‌بر، از بین‌رفتن ساختار اولیه چهره به طوری که چهره ایشان وضعیتی بسیار ناگوار و نامتعارف به خود گرفته است، برخی نقاط بدن ایشان نیز در اثر تماس با اسید جراحات متعددی برداشته است. طی فرآیند درمان بالغ بر ۱۷ بار فقط یکی از جراحات ایشان آن هم در خارج از کشور مورد جراحی پلاستیک قرار گرفته است.

رأی نهایی دادگاه به دادنامه شماره ۱۳۸۷/۹/۹-۱۸۸ به این شرح است: «اجرای قصاص بر هردو چشم متهم، پرداخت ۵۰٪ ارش بابت جوشگاه بسیار بدشکل تمام صورت از دیه کامل، ۲۵٪ ارش از دیه کامل بابت جراحات موضوع بندهای ۱ تا ۵ گزارش پزشکی قانونی، ۲٪ دیه کامل به عنوان ارش بابت برداشت گوشت از پشت لاله‌های گوش چپ و دست و لب برای ایجاد پلک جهت دوختن دو چشم، ۵٪ درصد دیه کامل بابت ارش دندان‌ها، ۱۵٪ دیه کامل به عنوان ارش عارضه روانی ایجادشده در مجنی‌علیه، ۵۰۰ دینار به عنوان دیه از بین‌رفتن هر دو ابروی مجنی‌علیه، ۲۰٪ دیه کامل بینی بابت از بین‌رفتن همین مقدار از بینی. ضمناً شاکیه مکلف است با توجه به میزان دیه عضو ناقص‌شده و مفاد ماده ۲۷۳ قانون مجازات اسلامی، تفاضل دیه را پرداخت نماید» (۴۸).

۵-۱- نقد و بررسی: آن‌گونه که ملاحظه می‌شود، قضات نسبت به موضوع خسارت نقص زیبایی، به شکل‌های مختلف اظهار نظر کرده‌اند: ۱- مطالبه خسارت نقص زیبایی برای عضو دارای دیه پذیرفتنی نیست؛ ۲- خسارت نقص زیبایی با عنوان ارش قابل پرداخت است؛ ۳- میزان ارش تعیین‌شده برای نقص

زیبایی، کم‌تر از میزان دیه است؛ ۳- تعلق دیه، پاسخگوی نقص زیبایی در عضو شکسته است؛ ۴- افزون بر تعلق دیه به یک عضو، به صورت مستقل به خسارت نقص زیبایی نیز توجه شده است، اما آنچه قابل توجه است این‌که در پرونده‌هایی که خسارت نقص زیبایی مورد توجه قرار گرفته، به ابعاد مختلف خسارت معنوی، همچون از دست‌دادن آرامش روحی، موقعیت اجتماعی، کار، ازدواج، توجهی نشده است. همچنین در تعیین ۲۰٪ دیه بینی برای از بین‌رفتن همین مقدار از بینی مجنی علیه، هزینه درمان و ترمیم بینی که بسیار بیشتر از یک دیه کامل است، در نظر گرفته نشده است. به نظر نویسندگان، آن‌گونه که پس از این به تفصیل توضیح داده خواهد شد، چون نقص زیبایی، رضایتمندی و کیفیت زندگی فرد بزه‌دیده را در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی‌اش با مشکلات فراوانی رو به رو می‌کند که ترمیم هریک، هزینه بسیار بیشتری از دیه بر بزه‌دیده تحمیل می‌کند، ضروری است با گذر از نظریه سنتی محدودیت ارش به دیه، ارش را به عنوان یک سازه فقهی برای جبران خسارت‌های مختلف وارد بر اشخاص در نظر گرفت و با محاسبه ضرر و زیان وارد به بزه‌دیده به واسطه کاهش کیفیت زندگی‌اش، این هزینه‌ها را به عنوان ارش از بزه‌کار دریافت کرد یا با بهره‌گیری از عنوان «خسارت» و پرهیز از کاربست واژه ارش، ضرر و زیان ناشی از چنین رفتارهای بزه‌کارانه‌ای را درخواست کرد.

۲- شیوه محاسبه نقص زیبایی

بررسی نقص عضو ناشی از ضایعات پوستی نیازمند در نظر گرفتن منافع متعدد پوست است. بافت پوستی در زیبایی نقش مؤثری داشته و منافع عملکردی متفاوتی نیز دارد. پوست با پوشاندن سطح بدن از اندام‌ها حفاظت کرده، در حس محیط اطراف، تعریق و تنظیم دما نقش مؤثری دارد. در صورت، پوست نقش مهمی در هویت و برقراری ارتباط کلامی و غیر کلامی دارد. ضایعات پوستی می‌تواند با ایجاد محدودیت در حرکت اندام‌ها و قفسه صدری، منجر به نقایص عملکردی این دستگاه‌ها شود (۴۹).

در آسیب‌دیدگی‌های ناشی از سوختگی، پیش از تعیین میزان نقص عضو، رسیدن به بیشترین میزان بهبودی (MMI: Maximal Medical Improvement) امری ضروری است. در اختلال‌های زیبایی، گاه حداکثر میزان بهبودی تا دو سال بعد از ایجاد ضایعه طول می‌کشد. بعد از رسیدن به حداکثر میزان بهبودی، مستندسازی و شرح دقیق ضایعات ضروری است. برای مثال، در مورد جوشگاه (اسکار)، ثبت دقیق موقعیت ناحیه درگیری، ابعاد، میزان، برجستگی یا فرورفتگی و تغییر رنگ آن، لازم است. از نظر کارشناسی، جوشگاه‌ها فقط در شرایط خاص می‌توانند منجر به نقص عضو شوند و باید توانایی پوشاندن یا محوکردن آن‌ها را در نظر داشت. نازیبایی پوست، جوشگاه و پیوند پوست جزء تغییرات پوستی هستند که می‌توانند منجر به نقص عضو شوند. نازیبایی پوست می‌تواند ناشی از تغییر در ساختار، رنگ یا شکل پوست باشد که به دنبال بیماری اولیه یا آسیب‌دیدگی پوست ایجاد شده است. گاهی نازیبایی پوستی تأثیر ناچیزی بر عملکرد پوست دارد، اما با تغییر نگرش فرد از خود و طردشدن توسط جامعه، نقش مهمی در کاهش عملکرد فرد خواهد داشت (۴۹).

در نظام حقوقی ایران با وجود به رسمیت‌شناختن و قابل مطالبه‌دانستن حقوق معنوی (آن‌گونه که در اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مواد ۲، ۹ و ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است)، ساز و کار مناسبی برای محاسبه و تبدیل خسارت معنوی به خسارت مادی (تقویم) طراحی نشده است. به همین جهت است که در رویه قضایی، برای محاسبه خسارت معنوی ناشی از نقص در زیبایی، روش خاصی وجود ندارد. این امر سبب شده تا سازمان پزشکی قانونی بدون توجه به مسأله زیبایی و لزوم جبران خسارت وارد بر آن، با استفاده از سازه فقهی ارش، به ترتیبی که توضیح داده می‌شود، تنها به جبران خسارت ناشی از سوختگی، بسته به سطح سوختگی، بسنده کند. بر این اساس، سوختگی‌ها در پنج گروه طبقه‌بندی شده و از ۵ تا ۱۰۰ درصد ارش کامل یک انسان (با این پیش‌فرض که ارش از نظر میزان محدود به سقف دیه کامل عضو یا نفس است) برای آن، خسارت مالی تعیین می‌شود.

در آسیب‌دیدگی‌های ناشی از سوختگی، پیش از تعیین میزان نقص عضو، رسیدن به بیشترین میزان بهبودی (MMI: Maximal Medical Improvement) امری ضروری است.

جبران خسارت نقص زیبایی در فقه جزایی

از آنجا که بنا به نظریه مشهور میان فقیهان امامیه، تنها ساز و کار مالی برای جبران خسارت در جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد، دیه و ارش است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا دیه و ارش می‌توانند تمام خسارت‌های مادی و معنوی بزه‌دیده، از جمله ضرر و زیان معنوی ناشی از نقص در زیبایی وی را پوشش دهند. بررسی نویسندگان نشان می‌دهد که دو دیدگاه میان فقیهان وجود دارد:

۱- بسندگی به ساز و کار پرداخت دیه و ارش

دیه مجازاتی مالی یا ساز و کاری است برای جبران خسارت وارد بر اعضای بدن انسان (۵۰) که میزان آن توسط قانونگذار تعیین شده است (۵۱)؛ ارش هم گرچه از نظر ماهیت، همچون دیه است، اما تعیین میزان آن به صلاح‌دید قاضی (حاکم شرع) در تغییر بوده، در جایی که برای صدمه وارد بر بزه‌دیده، دیه مصرح وجود ندارد، از آن برای جبران خسارت وی استفاده می‌شود (۵۲). بسیاری از فقیهان امامیه با استناد به قاعده «الارش ما دون الدیه»، بر این باورند که تمامی احکام ناظر به دیه در ارش نیز جاری بوده، میزان ارش هیچ‌گاه از مقدار دیه بیشتر نخواهد بود (۵۳)، زیرا بنا به ارتکاز عقل و عرف، خسارت ناشی از شکستن یک عضو، مانند بریدن و قطع کردن آن نیست (۵۴). ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی نیز با ملاحظه همین جهت مقرر می‌دارد «ارش، دیه غیر مقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند.» همچنین در ماده ۵۴۸ همین قانون آمده است: «در اعضا و منافع، مقدار ارش یک جنایت، بیش از دیه مقدر برای آن عضو یا منفعت نیست و چنانچه به سبب آن جنایت، منفعت یا عضو دیگری از بین رود یا عیبی در آن‌ها ایجاد شود، برای هر آسیب دیه جداگانه‌ای تعیین می‌گردد.»

بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد در مواردی که جنایت وارد بر شخص سبب نقص زیبایی او می‌شود، تلاش شده با تعیین دیه، خسارت بزه‌دیده جبران شود. برای مثال، از

بین رفتن دائمی و تمام موی سر، صرف نظر از جنسیت و سن بزه‌دیده، همچنین حجم و میزان موی وی، موجب تعلق دیه کامل است (۵۰). مستند این حکم روایتی است که در آن فردی موی سر دیگری را آتش زده و موجب می‌شود تا موی سر او به صورت کامل از بین برود. امیرالمؤمنین (ع) پس از دادن یک سال مهلت، حکم به دیه کامل می‌کند (۵۵). ضعف سندی این روایت بر فرض صحت، با شهرت فتوایی و استحکام محتوای آن، جبران شده است (۵۰). همچنین در مورد از بین رفتن دائمی ریش صورت یک مرد، امیرالمؤمنین حکم به پرداخت دیه کامل کرده است (۴۴) و چنانچه عمل شخص موجب از بین رفتن دائمی دو ابروی بزه‌دیده شود، ۵۰۰ دینار به عنوان دیه برای جبران خسارت بزه‌دیده تعیین شده است (۵۰).

مواردی نیز در فقه جزایی وجود دارد که برای جبران خسارت ناشی از عمل مجرمانه، از سازه ارش استفاده شده است. برای مثال، اگر فردی موجب ریختن موی سر یک مرد شود و پس از مدتی موی سر وی دوباره برآید، بزه‌دیده مستحق دریافت ارش است (۵۰، ۵۲). همچنین اگر موی صورت مردی پس از ریختن دوباره برآید، مرتکب چنین کاری محکوم به پرداخت ارش خواهد بود (۵۶-۵۷). اگر در اثر جنایتی لب‌های فرد دچار پارگی شده، دندان‌های او را نمی‌پوشاند و افزون بر از بین رفتن برخی از کارکردهای لب، جلوه نازیبایی به وجود آورده است (نقص زیبایی)، مرتکب محکوم به پرداخت ارش می‌شود (۵۳).

بر این اساس، دو سازه فقهی دیه و ارش برای جبران خسارت معنوی ناشی از نقص در زیبایی کافی بوده، ارش نسبت به دیه سنجیده می‌شود و همیشه مقدار آن کم‌تر از دیه خواهد بود. در چنین وضعیتی، بزه‌دیده نمی‌تواند برای جبران خسارت خود، چیزی افزون بر دیه یا ارش درخواست کند، هرچند هزینه‌های درمان و ترمیم زیبایی وی بیشتر از دیه یا ارشی باشد که توسط دادگاه به سود او تعیین شده است.

۲- عدم بسندگی به ساز و کار پرداخت دیه و ارش

طرح نظریه عدم بسندگی به دو سازه فقهی دیه و ارش (با فرض محدودیت ارش نسبت به دیه) از آن جهت است که

این روایت را که مربوط به بحث ریختن موی سر زن است، نقل نکرده است. بنابراین ادعای ضعف سند روایت به واسطه جهالت روای، درست نیست (۶۱).

لزوم پرداخت مهرالمثل در فرض بهبودی و رویش موی جدید در روایت عبدالله بن سنان با سه رویکرد متفاوت قابل ارزیابی است. ۱- با توجه به انحصار نظام جبران خسارت در دو سازه دیه و ارش، حکم به پرداخت مهرالمثل، خلاف قاعده بوده، نمی‌توان بر اساس آن فتوا داد؛ ۲- حکم به پرداخت مهرالمثل در واقع تعیین سقف مجازات مالی برای ارش (حکومت) است. به همین جهت، اگر مبلغ مهرالمثل بیشتر از دیه کندن مو باشد، باید به پرداخت دیه ملتزم شد (۵۰)؛ ۳- حکم به پرداخت مهرالمثل، راه‌کار مستقلی به جز دیه و ارش است که برای جبران خسارت ناشی از نقص در زیبایی در نظر گرفته شده، زیرا فرض آن است که موی زن دوباره روییده است، اما از آنجا که این رویش جدید کیفیت زندگی فرد را به سرعت در وضعیت پیشین قرار نمی‌دهد و زن بزه‌دیده برخی از فرصت‌های برآمده از زیبایی ظاهری خود را دست کم در یک مدت‌زمان طولانی از دست خواهد داد (در نظرگرفتن وضعیت اجتماعی اعراب که موهای بلند جزء جداناپذیر هویت یک زن به حساب می‌آمده، در این تحلیل ضروری می‌نماید)، می‌بایست خسارت ناشی از آن توسط فرد بزه‌کار جبران شود.

به هر حال موضوع این روایت ریخته‌شدن موی سر توسط مردی بیگانه است، ولی تعلیل موجود در این روایت (إنَّ شعر المرأة و عذرتها شریکان فی الجمال) حکایت از آن دارد که آسیب‌رسانی به زیبایی افراد، موجب مسؤولیت حقوقی بوده، بزه‌کار موظف به جبران خسارت بزه‌دیده است. یکی از راه‌های جبران این خسارت در مورد زنی که مقدار موی او در ازدواجش مؤثر است، پرداخت مهرالمثل است، اما به حکم قاعده «العله تعمّم و تخصّص» (۶۲)، بایستی ادعا کرد هر عملی که باعث نقص زیبایی شخص می‌شود، تنها به واسطه نقص در زیبایی مسؤولیت‌آور است. به همین جهت، گرچه موضوع روایت عبدالله بن سنان تراشیدن موی سر یک زن توسط یک مرد است، ولی این حکم اختصاص به مرد نداشته، اگر زنی

نقص زیبایی به عنوان یک مؤلفه مستقل در فقه جزایی توسط فقیهان مسلمان بررسی نشده و از جمله مواردی هم نیست که قانونگذار برای آن دیه خاصی تعیین کرده باشد. روشن است که در این فرض، تعیین ارش برای آن نیز راه‌گشا نیست، چراکه بنا به نظر مشهور، میزان آن کم‌تر از دیه مقرر برای انسان است و از سوی دیگر، هزینه‌های گسترده برای جبران خسارت ناشی از نقص زیبایی و ترمیم آن، در شرایط مختلف می‌تواند تا چند برابر مقدار دیه افزایش یابد.

برای مثال در جدول ذیل فهرستی از آسیب‌هایی که معمولاً در جرائم منجر به سوختگی متوجه بزه‌دیده می‌شود به همراه هزینه تقریبی هریک آورده شده است (نرخ‌های زیر بر اساس گزارش برخی از مراکز درمانی تهیه شده است. بدون شک نبود آمار دقیق از تعداد مراجعه‌کنندگان و هزینه‌های واقعی که به صورت پنهان از آن‌ها دریافت می‌شود، درستی آن را با تردید جدی رو به رو می‌سازد).

بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد که فقیهان مسلمان با استناد به روایات معصومین (ع) درصدد برآمدند تا بدون بهره‌گیری از سازه دیه و ارش، به جبران خسارت ناشی از نقص زیبایی بپردازند. برای مثال، اگر فردی با عمل خود سبب شود تا موی سر زنی بریزد، هرچند این مو دوباره بروید، با عنایت به مفاد روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) (۵۸)، بزه‌کار به پرداخت مهرالمثل محکوم می‌شود. نکته قابل‌توجه در این روایت آن است که علت محکومیت به پرداخت مهرالمثل، چنین بیان شده است: «موی سر زن نیمی از زیبایی اوست» (۴۴). احتمال ضعف سندی این روایت به واسطه مجهول‌بودن یکی از راویان آن، با شهرت ظاهری و فتوایی این روایت جبران شده است (۵۰، ۶۰-۵۹)، هرچند شواهدی بر اعتبار سند این روایت نیز وجود دارد، زیرا شیخ حر عاملی به اشتباه این روایت را در دو جا نقل کرده است، یک جا از محمد بن سلیمان منقری که فردی مجهول بوده، در منابع رجالی نشانی از آن نیست و به همین خاطر این روایت را ضعیف دانسته است، حال آنکه راوی، سلیمان بن داود منقری است که فردی ثقه بوده، روایت به خاطر ثقه‌بودن سایر رجال آن، معتبر است. در جای دیگر، روایت را به صدوق نسبت داده است، حال آنکه صدوق

موی سر زن دیگری را بتراشد یا اگر شوهری موی سر همسر خود را بتراشد، همین حکم درباره او جاری است (۶۳).

همچنین اگر شخصی با آسیب‌رساندن به صورت دیگری سبب شود تا لب‌های وی جمع و دندان‌هایش نمایان گردد، برخی از فقیهان قائل به وجوب پرداخت ارش (حکومت) به بزه‌دیده شده‌اند، زیرا نتیجه این عمل، نقص در زیبایی و از بین رفتن کارکرد لب‌ها است (۶۴)؛ برخی نیز با همین استدلال قائل به وجوب پرداخت دیه کامل شده‌اند (۵۶). بدین ترتیب آسیب‌رسانی به زیبایی ظاهری افراد مسؤولیت‌آور است، اما این‌که جبران این مسؤولیت تنها در چارچوب «ارش» و مقدار آن هم کم‌تر از دیه کامل همان عضو باشد، برگرفته از گزاره مشهور «الارش ما دون الدیه» می‌باشد؛ حال آنکه این گزاره با تردیدهایی در اعتبار و محتوا رو به رو است، زیرا تنها مستند آن، ارتکاز عقلی است، به این معنا که اگر قانونگذار برای از بین رفتن یک عضو دیه‌ای تعیین کرده است، قابل تصور نیست که مجروح کردن آن عضو، خسارتی بیش از مبلغ دیه در پی داشته باشد (۵۴).

اما به نظر می‌رسد، تنها قاعده قابل استناد در این باره، قاعده «کل ما لا تقدیر له فیه الارش» باشد که مفاد آن مورد پذیرش فقیهان امامیه قرار گرفته است و مانعی نیست از این‌که شارع در مواردی، اقدام به تعیین خسارت کند و در مواردی نیز این کار واگذار به قاضی یا کارشناس شود. به عبارت دیگر «ارش» سازه‌ای است فقهی برای جبران خسارت شخص خسارت‌دیده در مواردی که قانونگذار، خود میزان خسارت را در قالب دیه تعیین نکرده است، بدون این‌که از نظر کیفی محدود به شرایط دیه و از نظر کمی محدود به کم‌تر بودن از دیه باشد. شاهد بر این ادعا آن است که در برخی متون فقهی، ارش به عنوان یک سازه فقهی برای خسارت دانسته شده که می‌تواند در قالب دیه باشد یا بیشتر از دیه یا کم‌تر از دیه (قسَم الأرش إلی دیه أو أقلّ منها أو أكثر) (۶۵)، چراکه محدود کردن تأمین خسارت در غیر از موارد مصرح به کم‌تر بودن از دیه از یکسو فاقد جنبه بازدارندگی است و از سوی دیگر، تمام خسارت‌های ناشی از وقوع جرم را پوشش نداده و بزه‌دیده، افزون بر تحمل آسیب، باید ضرر و زیان مالی

ناشی از آن را خود تحمل کند و این با عدالت قضایی ناسازگار است.

در صورتی که کاربرد ارش در جبران خسارت بیشتر از دیه، با فهم رایج فقیهان در محدودیت ارش به دیه سازگار نباشد، می‌توان بجای آن از واژه «حکومت» استفاده کرد، زیرا از نظر برخی از فقیهان دو واژه «ارش» و «حکومت» همسانی مفهومی نداشته، ارش گسترده‌تر از حکومت است، ارش در مقدر و غیر مقدر به کار می‌رود، ولی حکومت تنها در غیر مقدر کاربرد دارد (۶۶). در این صورت، محدودیت بیشینه ارش به دیه، دیگر معنایی نخواهد داشت.

به هر حال، چه در تعیین میزان خسارت ناشی از نقص در زیبایی از واژه «ارش» استفاده کنیم یا در مقام یافتن اصطلاحی جدید برای آن باشیم - چراکه بی‌تردید این واژگان توقیفی نیستند - مرجع تشخیص خسارت بزه‌دیده، کارشناس است. این احتمال نیز که مرجع تعیین خسارت، دو کارشناس عادل است که اگر با هم اختلاف پیدا کنند، حاکم شرع، مرجع تعیین میزان خسارت می‌باشد مطرح شده است (۶۷)، ولی به نظر می‌رسد که چون تعیین خسارت از جنس شهادت شرعی نیست، تعداد (دو نفر) و ویژگی اخلاقی (عادل) معتبر نبوده، فردی هم که در ارائه نظر کارشناسی قابل اعتماد است (متهم به دروغ‌گویی نیست)، می‌تواند در این باره اعلام نظر کند (۶۸). در زمان حاضر، این وظیفه را سازمان پزشکی قانونی بر عهده خواهد داشت (۶۹).

نقص زیبایی نوعی خسارت معنوی و اثرگذار بر کیفیت زندگی فرد بزه‌دیده است، زیرا آن‌گونه که پیش‌تر گذشت، کیفیت زندگی حاصل عوامل مختلفی چون شادکامی، ازدواج، شغل و موقعیت اجتماعی، تعامل پویای اجتماعی بوده، وجود هر یک از آن‌ها، به افزایش کیفیت زندگی منجر می‌شود، در نتیجه، اگر در اثر وقوع جرمی، مانند جرائم منجر به سوختگی، بزه‌دیده آسیب‌هایی نظیر نقص زیبایی دیده باشد، کیفیت زندگی او تحت تأثیر قرار خواهد گرفت، زیرا نقص زیبایی بسیاری از عناصر مؤثر در کیفیت زندگی را دستخوش تغییرهای نامطلوب قرار می‌دهد. برای مثال، فردی که در اثر سوختگی بخش قابل توجهی از زیبایی چهره خود را از دست

این زمینه مؤلفه‌های مختلفی چون سن، تحصیلات، مهارت، سابقه کار و... در فرد بزه‌دیده در نظر گرفته می‌شود.

- ازدواج: نقص زیبایی حاصل از جرائم منجر به سوختگی، به ویژه سوختگی ناحیه سر و صورت، گاه شرایطی را برای بزه‌دیده - به ویژه بانوان - به وجود می‌آورد که فرصت ازدواج را از دست می‌دهد یا در صورت داشتن همسر، کانون خانواده او متلاشی می‌شود، هرچند کارکردهای عاطفی و جنسی ازدواج قابل جبران نیستند، اما بخش زیادی از جنبه‌های مالی ازدواج را می‌توان پس از بزه‌دیدگی شخص جبران کرد. استفاده از مهرالمثل برای قربانیان اسیدپاشی که فرصت ازدواج را از دست می‌دهند یکی از راه‌های جبران خسارت ناشی محرومیت از ورود به کانون خانواده است. همچنین پرداخت مبلغی به عنوان نفقه به بزه‌دیده متناسب با وضعیت اجتماعی وی پیش از سوختگی، می‌تواند یکی از راه‌های جبران بخشی از خسارت محرومیت چنین افرادی از ادامه زندگی زناشویی باشد.

- روابط اجتماعی: یکی از آثار مخرب خسارت نقص زیبایی ناشی از عمل مجرمانه، گوشه‌گیری و انزوای فرد بزه‌دیده است، چراکه وضعیت جسمانی به ویژه چهره وی سبب می‌شود انگیزه برای حضور در مجامع عمومی و پذیرش نقش‌های مختلف اجتماعی را از دست بدهد. پرداخت هزینه‌های روان‌درمانی و مشاوره‌های روان‌پزشکی وی توسط بزه‌دیده، ایجاد فرصت‌های لازم برای بازگشت دوباره به جامعه بر اساس موقعیت اجتماعی وی پیش از بزه‌دیدگی و تأمین هزینه‌های کسب دانش و مهارت‌آموزی بزه‌دیده برای بازبازی فرصت حضور در جامعه از جمله روش‌های جبران خسارت بزه دیده است.

- رضایتمندی: حس رضایتمندی از زندگی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی از جمله نخستین چیزهایی است که با وقوع فعل مجرمانه و ایجاد نقص زیبایی، به شدت آسیب می‌بیند. تأمین هزینه سفرهای تفریحی یا زیارتی (فردی یا گروهی) بزه‌دیده، تأمین هزینه شرکت در برنامه‌های تفریحی و سرگرمی (سینما، تئاتر، کنسرت‌های موسیقی، پارک‌ها، ورزشگاه‌ها و...)، تأمین هزینه شرکت در آیین‌های مذهبی (نماز جمعه، دعای کمیل، دعای

می‌دهد، در مسائلی همچون ازدواج، پیدا کردن شغل مناسب، کسب موقعیت اجتماعی، احساس شادابی و رضایت از زندگی، به فعلیت‌رساندن استعداد‌های فطری خویش، حضور پویای اجتماعی، ارتباط با اعضای خانواده و... دچار مشکل‌های فراوانی شده، کیفیت زندگی وی کاهش پیدا می‌کند.

بر این اساس، محاسبه خسارت ناشی از ضایعات پوستی و در نتیجه، نقص در زیبایی، از اهمیت زیادی برخوردار است، اما باید توجه داشت که جبران ضرر و زیان معنوی، جنبه ارضایی داشته و این‌گونه ضررها به صورت دقیق قابل جبران نیستند (۷۰). راه‌های جبران خسارت معنوی نیز حصری نیستند، زیرا مهم جبران آن‌هاست و روش جبران، طریقیست دارد و نه موضوعیت. در مواردی پرداخت پول گره‌گشا است، گاهی نیز یک عذرخواهی ساده موجب رفع خسارت می‌شود. به همین جهت، هدف از پرداخت غرامت در خسارت معنوی، جبران کامل ضرر و بازگشت به وضعیت قبل نبوده، هدف تأمین خرسندی یا کاهش درد و رنج‌های روحی زیان‌دیده یا کیفر خطا و تنبیه و تحذیر دیگران است (۷۱).

به هر حال، در نظام‌های حقوقی مختلف که به لزوم تأمین همه‌جانبه خسارت معنوی باور دارند، برای محاسبه خسارت‌های مختلف بزه‌دیده که متأثر از نقص زیبایی است، با توجه به مؤلفه‌های مؤثر در کیفیت زندگی، روش‌های مختلفی وجود دارد. به نظر نویسندگان می‌توان این خسارت را با توجه به مؤلفه‌های زیر، مورد بررسی قرار داد:

- شغل: نقص زیبایی موقعیت شغلی بزه‌دیده را تحت تأثیر قرار داده، به واسطه چهره ناخوشایند، موفق به یافتن شغل مناسب نمی‌شود یا شغل خود را از دست می‌دهد. در این صورت بزه‌کار موظف است به صورت مستقیم، ماهانه یا سالانه مبلغی معادل حقوقی که بزه‌دیده پیش از وقوع جنایت دریافت می‌کرده یا می‌توانسته دریافت کند، ولی در اثر فعل مجرمانه از آن محروم شده است را به وی پرداخت کند، البته می‌توان از ساز و کار بیمه نیز برای جبران این خسارت استفاده کرد، بدین‌شکل که یک ردیف بیمه‌ای نظیر بیمه ازکارافتادگی به افرادی که در اثر فعل مجرمانه از جمله جرائم منجر به سوختگی، فرصت اشتغال را از دست می‌دهند، تعلق گیرد. در

۴- بدون نیاز به نسبت‌سنجی میان سالم و معیوب در تعیین ارش، نظر کارشناسان مختلف (بسته به مورد) ملاک تشخیص میزان خسارت بزه‌دیده و تعیین هزینه جبران آن به حساب می‌آید.

۵- پرداخت معادل حقوقی که بزه‌دیده پیش از وقوع جنایت دریافت می‌کرده یا می‌توانسته دریافت کند، پرداخت مهرالمثل و هزینه زندگی متناسب با وضعیت اجتماعی بزه‌دیده که فرصت ازدواج را از دست داده است، پرداخت هزینه‌های روان‌درمانی و مشاوره‌های روان‌پزشکی برای بازگشت دوباره فرد به جامعه، تأمین هزینه سفر یا برنامه‌های تفریحی یا زیارتی با وجود پذیرش اصل خسارت معنوی و نهایتاً پرداخت تمام هزینه‌های درمان بزه‌دیده از جمله روش‌های جبران خسارت معنوی ناشی از سوختگی هستند.

ندبه، مراسم احیای شب‌های قدر و...) توسط بزه‌کار از جمله راه‌های جبران خسارت ناشی از کاهش حس رضایت‌مندی در بزه‌دیده است.

- هزینه‌های درمانی: هرچه روند درمان بزه‌دیده کندتر و بازگشت وی به وضعیت جسمی پیشین خود دشوارتر باشد، احتمال آسیب‌دیدگی بزه‌دیده به واسطه از دست‌دادن فرصت اشتغال یا ازدواج یا روابط اجتماعی یا حس رضایت‌مندی از زندگی بیشتر می‌شود، اما انجام درمان و افزایش کیفیت درمان به منظور کاهش فاصله میان وضعیت جسمی قبل از بزه‌دیدگی با وضعیت جسمی پس از بزه‌دیدگی، مستلزم پرداخت هزینه‌های سنگین است که در شرایط عادی و برای بسیاری از افراد، قابل تأمین نیست، به ویژه که درمان سوختگی درمان‌هایی ترکیبی بوده، گاه شخص ناگزیر است که ده‌ها بار مورد عمل جراحی قرار گیرد. از این رو پرداخت این هزینه‌ها از سوی بزه‌کار یا سازمان‌های حمایتگر مردم‌نهاد یا بیمه‌ها یکی از راه‌های مؤثر در کاهش آسیب‌های بزه‌دیده است، البته این هزینه‌ها افزون بر دیه در نظر گرفته‌شده توسط قانونگذار برای عمل مجرمانه بزه‌کار است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد:

- ۱- یکی از بارزترین مصادیق خسارت معنوی، نقص در زیبایی است که تأثیر مستقیمی در کیفیت زندگی فرد دارد.
- ۲- هرچند در فتاوی فقیهان همچنین مواد قانونی اصل لزوم جبران خسارت معنوی پذیرفته شده، ولی به ابعاد مختلف خسارت معنوی ناشی از نقص زیبایی، همچون از دست‌دادن آرامش روانی، موقعیت اجتماعی، کار، ازدواج، توجهی نشده است.
- ۳- از آنجا که «ارش» به عنوان سازه فقهی جبران خسارت، محدود به شرایط و میزان دیه نیست، می‌توان با توجه به تأثیر جراحات ناشی از سوختگی در زیبایی بزه‌دیده و تأثیر نقص زیبایی در کیفیت زندگی وی، افزون بر دیه از ارش به عنوان ابزاری برای جبران خسارت‌های گوناگون مادی و معنوی مبتلایان به سوختگی استفاده کرد.

جدول ۱: حوزه‌های کیفیت زندگی

عناصر مؤثر در مفهوم‌سازی	حوزه کاربرد مفهوم
- توان تأمین نیازهای اساسی و حفظ سلامتی. - تمرکز بر توانایی‌های کارکردی.	زندگی عادی
- توانایی فرد به منظور ایجاد یک زندگی مفید اجتماعی. - ایفای نقش مؤثر در جامعه. - برخورداری از موقعیت مناسب شغلی.	مطلوبیت اجتماعی
- تعامل میان احساس هیجان و افسردگی. - متأثر از عوامل درونی و بیرونی موقتی و کوتاه‌مدت.	شادکامی
- ارزیابی مثبت فرد از کیفیت زندگی خود. - معطوف به توانایی‌های شخص. - رضایتمندی در زمینه‌های مختلفی چون عشق، ازدواج، روابط دوستانه، اوقات فراغت، شغل و ...	رضایت از زندگی
- توان فرد در دستیابی به اهداف، رضایت شخصی، خودباوری و رضایتمندی هنگام مقایسه خود با دیگران. - حداقل شکاف میان موقعیت واقعی و انتظارات فرد.	دستیابی به اهداف شخصی
- توانایی‌ها و استعداد‌های فیزیکی و ذهنی بالفعل و بالقوه فرد (به صورت فطری).	استعدادهای ذاتی

جدول ۲: معیارهای اصلی بررسی نقص عضو ناشی از اختلالات پوست

عنوان سوختگی	تعریف	ارزش
درجه یک	اختلالات پوست با علائم و نشانه‌های گاه‌گاهی و بدون هیچ‌گونه محدودیت در انجام فعالیت روزانه یا وجود بعضی محدودیت‌ها در تماس با عوامل فیزیکی یا شیمیایی و بدون نیاز به درمان مداوم.	۵٪
درجه دو	اختلالات پوست با علائم و نشانه‌های گاه‌گاهی و وجود محدودیت در بعضی از فعالیت‌های روزانه و ممکن است نیازمند درمان‌های دوره‌ای یا مداوم باشد.	۱۷٪
درجه سه	اختلالات پوست با علائم و نشانه‌های گاه‌گاهی وجود محدودیت در بیشتر فعالیت‌های روزانه و ممکن است نیازمند درمان‌های دوره‌ای یا مداوم باشد.	۳۹٪
درجه چهار	اختلالات پوست با علائم و نشانه‌های مداوم (پایدار) و وجود محدودیت در بیشتر فعالیت‌های روزانه که گاه‌گاهی نیازمند بستری یا استراحت در منزل است و ممکن است نیازمند درمان‌های دوره‌ای یا مداوم باشد.	۶۹٪
درجه پنج	اختلالات پوست با علائم و نشانه‌های مداوم و وجود محدودیت شدید در فعالیت‌های روزانه که نیازمند بستری یا استراحت گاه‌گاهی تا مداوم است و ممکن است نیازمند درمان‌های دوره‌ای یا مداوم باشد.	۱۰۰٪

جدول ۳: هزینه برخی از اعمال ترمیم نقص زیبایی

نوع آسیب‌دیدگی	نحوه درمان یا ترمیم	کم‌ترین میزان هزینه به صورت تقریبی	بیشترین میزان هزینه به صورت تقریبی	دفعات جراحی و ترمیم
از بین رفتن قرنیه	پیوند قرنیه	۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	
نابینایی کامل چشم	تخلیه چشم	۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	
نابینایی چشم	پروتز چشم	۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	
از بین رفتن پلک	پیوند پوست	۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۱۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال	
جمع‌شدگی پوست اطراف لب‌ها	جراحی پلاستیک و پیوند پوست	۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در هر بار	ممکن است حتی بیش از ۱۰ بار مورد نیاز باشد
تغییر شکل بینی	جراحی و پیوند پوست	۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در هر بار	بسته به شدت جراحی تا ۱۰ بار جراحی مشاهده شده است
از بین رفتن گوش‌ها	جراحی و استفاده از پروتز			
چسبندگی پوست انگشتان	جراحی و ترمیم	۳۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	بیش از ۱ بار
تشکیل جوشگاه دائمی در صورت	استفاده از لیزر درمانی یا جراحی	۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	ممکن است حتی بیش از ۲ بار مورد نیاز باشد
چسبندگی پوست گردن	جراحی و پیوند پوست	۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	
از بین رفتن ابرو	کاشت ابرو	۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	
نیاز بستری در بخش مراقبت‌های ویژه که معمولاً مدت طولانی است		۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	برای هر یک شب

References

1. Mehmannaavaz R. Compensatory damages in Iranian law. Tehran: Majd; 2011.
2. Lorasan M. Civil liability. Translated by Ashtari M. Tehran: Hoghoughdanan; 1997.
3. Aboualhamd A. Iranian administrative law. Tehran: University of Tehran Publications; 1975.
4. Henry Campbell, Black law. Washington: Dictionary, West Publishing; 1989.
5. Association Henri Capitant ,Vocabulaire Juvidique. Paris: Presses Universitaires de France; 1987.
6. Givord la répartition du prejudice moral these Grenoble. 1938.
7. Bojnordi H. Fiqh rules. Qom: Asmaelian; 1990.
8. Maraghi M. Al-Anavin. Qom: Institute of Islamic Publishing; 1996.
9. Kahani A, Khodabandeh F. Key points in Forensic Medicine. Qom: Judicial Publication; 2009.
10. GHazae S. Forensic Medicine. Tehran: University of Tehran Publications; 1994.
11. Vaseti Zobeidi M. Taj al-Arous men javaher al-Ghamous. Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution; 1993.
12. Tarihi F. Majma al-Bahrain. Tehran: Mortazavi; 1984.
13. Dekhoda AA. Dictionary. Tehran: University of Tehran Publications; 1999.
14. Safaee H. New Concepts and Codes in Civil Law. Tehran: Judicial Research Center; 1977.
15. Soltaninejad H. Comparative Study of Spiritual Damage. Tehran: Mizandanesh; 2016.
16. Tunc A. Non-Pecuniary damage involves interference with the personality. Paris: Presses Universitaires de France; 1981.
17. Hoseininejad H. Civil liability. Tehran: Majd; 1999.
18. Jafari Langroudi M. Terminology of Law. Tehran: Gnjdansh; 2007.
19. Emami H. Civil liability. Tehran: GHaemich; 1990.
20. Katouzian N. Out-of-contract requirements, Coercive bail. Tehran: University of Tehran Publications; 1996.
21. Moin M. Persian. Dictionary. Tehran: Dabir; 2008.
22. Ibn Manzour A. Lisan al-Arab. Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution; 1993.
23. Ibn Fares A. A lexicon of language scales. Qom: Dar al-Fikr; 2018.
24. Ragheb Isfahani. Al-Mofradat. Damascus: Dar al-Ghalam; 1992.
25. Amadi A. Exalted aphorisms and Pearls of Speech. Tehran: Islamic Culture Publication Office; 2000.
26. Jafari M. Beauty and art from the Islamic point of view. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Allameh Jafari's Works; 2016.
27. Kant I. Judgment Criticism. Translated by Rashidian A. Tehran: Nashr-e Ney; 2012.
28. Hashemnejad H. A Comparative Study of Farabi's Definition of Beauty with Definitions of Primitive and Modern. *Journal of Islamic Philosophy and Theology* 1395; 95(46): 60-44
29. Gastala P. Analytical Aesthetics. Translated by Vaziri A. Tehran: University of Tehran Publications; 1958.
30. Farabi A. The views of the people of the city and its opposition. Beirut: Al-Hilal Office; 1995.
31. Jalali Jafari B. Ugliness study. *Shenakht* 2008; 16(12): 155-162.
32. Stolints J. Ugliness. *Bayenat* 2012; 21(20): 69-78.
33. Farahidi KH. Al-Ain. Beirut: Al-Hilal Office; 1997.
34. SHEikhi M. Sociology of Quality of Life. Tehran: Harir Publication; 2016.
35. GHafari GH, Omidi R. Quality of Life. Social Development Index. Tehran: Shirazeh Publication; 2012.
36. Seidan F. Women and Quality of Life. Tehran: Tisa; 2019.
37. Ferrans CE. Development of a conceptual model of quality of life. New York: Springer Publishing Company; 1996.
38. Abasi Gravand Z, Mohmmadnasl GH. Acid spray prevention strategies. *Military Knowledge* 2016; 18(1): 2-14.
39. The following is the theory of 8020. 26-7/11/2001.
40. Legal bill of Acid spraying. Approved in March 7, 1959.
41. Mohammadsadeghi H. Proprietary criminal law (Crimes against public safety and security). Tehran: Mizan Publication; 2010.

42. Goldouzian I. Proprietary criminal law (Crimes against Physical Integrity, Spirituality, Property and Property, Security and Public Welfare). Tehran: University of Tehran Publications; 2007.
43. Haeirshahbagh A. Description of the Penal Code. Tehran: Islamic Ammunition Complex; 2011.
44. Hor Al-Ameli M. Vasaal al-Shi'a (Shi'a means to collect Sharia issues). Qom: Al-Bait Institute of Islam; 1989.
45. Article 722 of the Islamic Penal Code of Iran.
46. The Holy Quran. Surat al-Nisa: 29.
47. The following is the theory of 8020. 26-7/11/2001.
48. Judicial Research Institute. Acid Law Review Judicial Review Sessions. Tehran: Judicial Press and Publication Center; 2014.
49. Abedi M, Mahdavi A, Ranjbaran R. Research in organ failure and damage. Tehran: Touran; 2007.
50. Najafi M. Javaher al-Kalam (Jewels of speech in explaining the laws of Islam). Beirut: Dar Ahya al-Toras al-Arabc; 1984.
51. Article 448 of the Islamic Penal Code of Iran.
52. Helli J. Sharaea al-Aslam (Shari'a of Islam in halal and forbidden matters). Tehran: Asteghlal; 1989.
53. Ameli Z. Al-Rozat. Qom: Islamic Propagation Office; 1992.
54. Hajidehabadi A. Arash; the nature, method of calculation and its responsibility. *Legal Studies* 2010; 53: 107-146.
55. Sadough M. Mak la yahzor. Qom: Institute of Islamic Publishing; 1984.
56. Ameli Z. Al-Rozat. Qom: Islamic Propagation Office; 1992.
57. Moghaddas Ardabili A. Majma al-Faedah (The complex of interest and proof in explaining the guidance of minds). Qom: Islamic Propagation Office; 1998.
58. Koleini M. Al-Kafi. Qom: Dar al-Arfan; 2019.
59. Hakim M. Menhaj al-Salehi (The righteous platform). Beirut: Dar al-Safvah; 1994.
60. Tabrizi J. Tanghah al-Maani (Revise meanings). Qom: Dar al-Sedigheh al-SHahideh; 2007.
61. Rohani S. Fiqh al-Sadiq, peace be upon him. Qom: Aein Propagation; 2010.
62. Mohammadi A. Explanation of Rasaeil. Qom: Dar al-Fikr; 2008.
63. Montazeri H. Studies in the jurisprudence and jurisprudence of the Islamic state. Qom: Tafakor Publications; 1989.
64. Ameli J. Meftah al-Keramah. Qom: Islamic Publications Office; 1995.
65. Ameli M. GHayat al-Morad. Qom: Islamic Advertising Office; 1993.
66. Fazel Abi H. Kashf al-Romouz. Qom: Islamic Publications Office; 1996.
67. Tabatabai A. Riaz al-Masael. Qom: Islamic Publications Office; 1997.
68. Marashi Najafi SH. Retribution in the light of the Qur'an and Sunnah. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library; 1999.
69. Fazellankarani M. Tafsil al-Shariah. Qom: Jurisprudence Center; 1998.
70. Davari H. Compensation for Divorce Due to Abuse. *Journal of Jurisprudence and Family Law* 2011; 16(54): 123-148.
71. GHarah Gozli K. Iran Newspaper. *Compensation for Spiritual Damages* 2012; 51(79): 15-16.